


Research Article

Examining and Comparing the Ability of School-based Curriculum Planning of Managers, Deputies and Elementary Teachers in Bardsir City (A case study)

Zahra Zeinaddiny Meymand*¹ 

1. Associate Professor, Department of Educational Sciences and Psychology, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran



Received: 30/12/2024
Revised: 03/01/2025
Accepted: 10/02/2025
PP: 1-15



Keywords:

Attitude, Skills,
Knowledge, School-
centered, School -based
Curriculum

Abstract

Introduction: Scientific curriculum development is the guarantee of the successful learning of learners. This research was formed with the aim of investigating and comparing the capability of school-based curriculum planning of principals, deputies and teachers of primary schools in Bardsir city. Based on the purpose of this research, the present research method has been comparative.

Methodology: In order to evaluate and compare the ability of the target groups from the implementation of school-based curriculum, four variables of knowledge, attitude, skills and facilities in three groups of school principals, deputies and teachers were assessed. In order to measure the mentioned variables, four components of selection, change, completion and compilation in the school-based curriculum have been identified and the questions have been tried to include the measurement of all four levels. In addition, questions were raised that could measure focus. The statistical population of this study was all managers with 50 people, 300 teachers and 30 deputies in the primary school of Bardsir city in the academic year of 2020-2019. According to the estimation table and the sample size of the mother population, the sample size was 190 people (25 principals, 15 deputies and 150 teachers). The sampling method was stratified. School-based course "Maleki (2006). The statistical methods used included descriptive and inferential statistics (Chi-square test, Pearson correlation coefficient test).

Findings: Using SPSS21 statistical software, the research findings indicate the studied groups have sufficient knowledge, negative attitude and insufficient skills in the implementation of school-based curriculum and elementary schools in Bardsir have suitable facilities to implement this tradition. they have not.

Conclusion: The research showed though the time and conditions for decentralized and school-centered curriculum planning have not yet come, it is suggested to prepare training courses with the aim of improving the knowledge, attitude and curriculum planning skills of the school education system practitioners, especially teachers as true reformers Curriculums to improve the effectiveness of school curricula.

Citation: Zeinaddiny Meymand, Z(2024). Examining and Comparing the Ability of School-based Curriculum planning of Managers, Deputies and Elementary teachers in Bardsir city (A case study), Journal of New approaches to learning management. Vol 1, No 1, pp 1-15.

*Corresponding Author: Zahra Zeinaddiny Meymand

Email: zeinaddiny@gmail.com



©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

بررسی و مقایسه میزان توانمندی برنامه ریزی درسی مدرسه محور مدیران، معاونان و معلمان مدارس ابتدایی (مطالعه موردی شهرستان بردسیر)

زهرا زین الدینی میمند*¹

۱. دانشیار، گروه علوم تربیتی و روانشناسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

چکیده

مقدمه و هدف: برنامه ریزی درسی عالمانه ضامن تحقق یادگیری موفق فراگیران است. این مقاله با هدف بررسی و مقایسه میزان توانمندی برنامه ریزی درسی مدرسه محور مدیران، معاونان و معلمان مدارس دوره ابتدایی تهیه شده است. بدین منظور چهار متغیر دانش، نگرش، مهارت و امکانات در سه گروه مخاطب مورد سنجش و بررسی قرار گرفت.

روش شناسی پژوهش: براساس هدف پژوهش روش پژوهش حاضر از نوع مقایسه‌ای بوده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه مدیران به تعداد ۵۰ نفر، معلمان ۳۰۰ نفر و معاونان ۳۰ نفر در مقطع ابتدایی شهرستان بردسیر بوده است. بر اساس جدول برآورد حجم نمونه از جامعه مادر حجم نمونه ۱۹۰ نفر بوده است (۲۵ مدیر، ۱۵ معاون و ۱۵۰ معلم). روش نمونه‌گیری طبقه‌ای منظم بوده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه «امکان سنجی تحقق برنامه ریزی درسی مدرسه محور» ملکی (۱۳۸۵) می باشد.

یافته‌ها: با استفاده از روشهای آمار توصیفی و استنباطی (آزمون خی دو و ضریب همبستگی پیرسون) و با بهره‌گیری از نرم افزار آماری SPSS ۲۱ یافته‌های پژوهش حاکی از این است که گروه‌های مورد بررسی دارای دانش کافی، نگرش منفی و مهارت ناکافی در زمینه اجرای برنامه ریزی درسی مدرسه محور هستند و مدارس ابتدایی مورد نظرا از امکانات مناسب برای اجرای این سنت برخوردار نیستند. همچنین بر اساس مقایسه گروه‌های مورد بررسی، درخصوص میزان متغیر دانش به ترتیب معلمان، معاونین و مدیران قرار گرفتند. همچنین دو متغیر دانش و امکانات دارای تفاوت معناداری هستند اما در دو متغیر نگرش و مهارت تفاوت معناداری مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: هر چند شاید زمان و شرایط برنامه ریزهای غیرمتمرکز مدرسه محور هنوز فرا نرسیده باشد اما پیشنهاد می شود از طریق تدارک دوره‌های آموزشی با هدف ارتقا نگرش و مهارت برنامه ریزی درسی دست اندرکاران سیستم آموزشی مدرسه، خصوصاً معلمان به عنوان اصلاح‌گران حقیقی برنامه‌های درسی، بهبود اثربخشی برنامه‌های درسی مدارس محقق گردد.



تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۲

شماره صفحات: ۱۵-۱

واژه‌های کلیدی:

نگرش، مهارت، دانش، مدرسه محوری، برنامه ریزی درسی مدرسه محور

استناد: زین الدینی میمند، زهرا (۱۴۰۳) بررسی و مقایسه میزان توانمندی برنامه ریزی درسی مدرسه محور مدیران، معاونان و معلمان مدارس ابتدایی (مطالعه موردی شهرستان بردسیر)، رهیافت های نوین مدیریت یادگیری. دوره اول شماره یک، پاییز ۱۴۰۳، شماره صفحات: ۱۵-۱.

* نویسنده مسئول: زهرا زین الدینی میمند
پست الکترونیکی: zeinaddiny@gmail.com

مقدمه

در پژوهشی که توسط فیسر و استرایکر (Fisser & Strijker, 2019) انجام شد به نقش مهم مدارس و کادر آموزشی در طراحی برنامه های درسی مورد نیاز احساس شده بر اساس سواد دیجیتال برای کشور هلند تاکید شده است و اینکه کادر مجرب آموزشی مدارس جهت تولید برنامه های درسی لازم الاجرا در کشور هلند بسیار موفق عمل کرده اند. نکته حائز اهمیت در ترغیب معلمان جهت مشارکت در برنامه ریزی های درسی این است که عوامل مهم ایجاد انگیزه در معلمان و سایر اعضای کادر آموزشی و اداری مدرسه بایستی مورد بررسی و دقت نظر قرار گیرد؛ در پژوهشی که توسط میزرک (Mizrak, 2024) انجام شد لزوم توجه به رضایت شغلی معلمان به عنوان پیش بینی کننده قوی تعهد حرفه ای و شغلی مورد تاکید قرار گرفته است، بنابراین می طلبد که بیش از پیش به رضایت شغلی این قشر توجه خاص شود. در دانشنامه ایرانی برنامه درسی به نقش کلیدی معلمان در برنامه ریزی درسی مدرسه محور اشاره شده است و واگذاری اختیار در مورد تدوین برنامه های درسی به عنوان خط مشی مدرسه محوری یکی از مباحث مهم در حال تکوین در نظام آموزش و پرورش ایران شناخته شده است (Samadi, 2016).

حرکت به سوی نظام " برنامه ریزی درسی مدرسه محور " از تحولات بارز نظام های آموزشی طی دو دهه اخیر به شمار می رود و این تحول به منظور بهبود عملکرد مدرسه و ارتقای کیفیت آموزشی انجام می شود و در راستای تحقق پژوهش محوری و مدرسه پژوهش محور، توجه به نقش و رسالت مدرسه و احیای آن و همچنین بازاریابی عناصر آموزشی بسیار موثر هستند (Chavoshi Hosseini, 2023). در این راستا یکی از محورهایی که در نظام آموزش و پرورش در سال های اخیر مطرح شده است رویکرد مدرسه محور است که در مدارس تعریف می شود؛ بسیاری از افراد دست اندر کار باید نقش ها و مسئولیت های جدیدی برعهده بگیرند که در این امر نیاز آنان به نگرش ها، دانش و مهارت های جدید را آشکار می سازد. این نیازها در پی پر رنگ شدن مسئولیت پذیری در مدارس به وجود آمده اند؛ زیرا در سیاست ها و برنامه درسی متمرکز کمتر به چنین موضوعی توجه می شود (Zeinaddiny Meymand, 2015). بنابراین یکی از پیامدهای مدیریت مدرسه محور، طراحی و اجرای ضرورت توسعه برنامه های کارآمد برای پیشرفت حرفه ای معلمان، مدیران مدارس، والدین و اعضای جامعه با افزایش اختیارات است و درخصوص اثربخشی سند تحول در سطح مدرسه از منظر بومی، در مدل مدرسه محوری ملاحظه شد که شاخص های سند تحول بنیادین در سطح یک مدرسه با تمام ویژگی های جزئی تحقق حیات طیبه کانون عرضه و خدمات و فرصت های تعلیم و تربیت زمینه ساز درک و اصلاح موقعیت توسط دانش آموز با توجه به مولفه های مدرسه محوری بومی در وضعیت مطلوب می باشد (fariabi et al., 2021).

قریب به یک صد سال تلاش رسمی و سازمان یافته نظام آموزشی برای سامان بخشی فعالیت های آموزشی همواره با این پرسش آمیخته بوده است که تصمیمات مربوط به برنامه درسی کجا و توسط چه کسی اتخاذ می شود؟ نوع پاسخ داده شده به این پرسش به تناسب واقعیت های نظام آموزشی، باورها و اعتقادات اجتماعی و تحولات جهانی متفاوت بوده است. طی قرن جاری نظام برنامه ریزی درسی ایران به مرور از یک نظام غیرمتمرکز به یک نظام متمرکز تبدیل شده است؛ ولی در حال حاضر نظام برنامه ریزی درسی ایران در تب و تاب غیر متمرکز شدن است. چنین به نظر می رسد که نظام آموزش و پرورش ایران به لحاظ برخورداری از برخی شرایط خاص، (تنوع امکانات مالی، خرده فرهنگ ها و...) برنامه درسی غیر متمرکز و به تبع آن برنامه ریزی درسی مدرسه محور را می طلبد. فکر مدرسه محوری در شرایطی در نظام آموزش و پرورش ایران مطرح است که معلمان در فرآیند برنامه ریزی درسی نقشی ندارند و بیشتر برنامه های درسی طراحی شده توسط مقامات مرکزی در سطح وزارت آموزش و پرورش را به مرحله اجرا در می آورند (Mousapour, 2010). مدعای اصلی مدرسه محوری آن است که باید استقلال و اختیار مدارس بیشتر شود. تا خود به تعیین خط مشی و حل مسائل و مشکلات خویش بپردازند. مردم، فعال کردن معلمان در جریان تربیتی، توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی، افزایش مشارکت عمومی و لحاظ کردن علائق و سلیق دانش آموزان و بالاخره تحقق نیازهای گوناگون در این کشور پهناور به فراخور مقتضیات مناطق مختلف کشور مسائل مهمی قلمداد می شوند که طرفداران برنامه ریزی درسی مدرسه محور بر آن تاکید می کنند. با وجود این، وقتی سخن از اجرای برنامه

ریزی درسی مدرسه محور می شود، لازم است به شرایط اجرایی آن توجه شود. اجرای هر نوع از برنامه درسی در مدارس از سویی به امکاناتی نیاز دارد که می توان آن را شرایط سخت افزاری نامید و از سوی دیگر به عاملانی نیاز دارد که می توان آن را شرایط نرم افزاری قلمداد کرد (Mousapour, 2010).

احمدی و همکاران به این موضوع اشاره دارند که فرهنگ برنامه ریزی در مدرسه و دستیابی به اهداف و ماموریت های از پیش تعیین شده به عنوان پایه ای برای مدیریت مدرسه محوری است (Ahmadi et al., 2022). ادیب منش در پژوهشی با عنوان امکان سنجی اجرای برنامه ریزی درسی دانشگاه محور در دانشگاه فرهنگیان به بررسی دانش، نگرش و مهارت اعضای هیات علمی دانشگاه پرداخته و به این نتیجه دست یافت که این گروه از صلاحیت های لازم برخوردار هستند (AdibManesh et al., 2012). همت یار و همکاران به بررسی ابعاد استقلال مدرسه یا همان ایده مدرسه محوری پرداختند و نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که از دیدگاه مدیران نمونه، ابعاد مدرسه محوری و استقلال مدرسه را می توان در قالب هفت مضمون فرعی شامل ساختار غیر متمرکز، مسئولیت پذیری و تصمیم گیری مشارکتی، خودکنترلی، تعهد سازمانی، فرهنگ سازمانی و انعطاف پذیری در نظر گرفت که البته از بین ابعاد هفتگانه، بعد ساختار غیرمتمرکز اهمیت زیادی دارد؛ همچنین به اعتقاد مدیران هیچ یک از ابعاد هفتگانه به معنای واقعی کلمه در مدارس دوره ابتدایی محقق نشده است (Hemmatyar et al., 2020). فاریابی و همکاران (۱۴۰۰) به طراحی و تبیین مدل مدیریت مدرسه محور بومی از منظر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش پرداختند و در این راستا مولفه هایی چون فرهنگ سازمانی، جو سازمانی، قدرت تصمیم گیری، نظارت و کنترل و تعاملات بیرونی مورد تاکید قرار گرفته است (fariabi et al., 2021). کرمی و نصیری (۱۳۹۹) در بررسی رابطه سبک مدیریت مدرسه محور با موفقیت شغلی و سازگاری شغلی معلمان به این نتایج رسیدند که بین مدیریت مدرسه محوری و هر یک از ابعاد آن با موفقیت شغلی و سازگاری شغلی معلمان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ همچنین از بین ابعاد مدیریت مدرسه محور تنها بعد رسالت، توانایی پیش بینی موفقیت شغلی معلمان را داشته و بر رسالت و تعهد بر بعد سازگاری شغلی معلمان تاثیر داشته است. نتایج پژوهش کرمی و نصیری در سال ۱۳۹۹ نشان داد مقوله کیفیت اجرای برنامه تعالی متأثر از عوامل علمی نظیر منابع مالی و انسانی وارث و میزان اهتمام متولیان امر در برنامه ریزی و اجرای برنامه تعالی است همچنین می توان با تدابیر راهبردهای مطلوب نظیر آموزش نیروی انسانی سلامت سازمانی و سودمندی معلمان اجرای این برنامه را تسهیل نمود و این عامل خود نیز در شرایط زمینه ای مانند فرهنگ سازمانی نقش اولیا و عوامل محیطی و شرایط مداخله گر نظیر سبک مدیریت رهبری و ویژگی های مدیر تاثیر می پذیرد اجرای برنامه تعالی به پیامدهایی مانند برنامه محوری خودارزیابی مدرسه منجر می شود (Karami & Nasiri, 2019).

زمینه طراحی و اعتبار یابی مدل مدرسه پژوهش محور با رویکرد ارتقای کیفی فرایند یاددهی در مدارس در پژوهش غلامزاده و همکاران در سال ۱۴۰۱ بر اهمیت نقش معلمان و ادراک آن ها از برنامه درسی در راستای آموزش ارزش ها در دوره اول ابتدایی تاکید شده است تحلیل ادراک معلمان در برنامه درسی آموزش ها نشان داد که آموزش ارزش ها جزء جدایی ناپذیر مدرسه و برنامه های درسی هستند و معلمان جز لاینفک این نوع برنامه درسی می باشند و برای دستیابی به برنامه درسی آموزش ها باید از همه ظرفیت های مدرسه و جامعه استفاده نمایند (Gholamzadeh et al., 2023).

طراحی ارائه الگوی غنی سازی برنامه درسی مدارس استعداد های درخشان در پژوهش رشیدی و همکاران در سال ۱۴۰۱ اهمیت برنامه های خاص مدارس در آموزش تیزهوشان و استفاده از آموزش مهارت های شناختی و فراشناختی و نیز برنامه درسی چند بعدی تاکید شده است (Rashidi et al., 2022).

جایگاه رفیع مدرسه در پژوهش چاوشی و همکاران در راستای ارائه الگوی برنامه های درسی مدارس بر اساس نیازهای اجتماعی فرهنگی و روانشناختی دانش آموزان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است (Chavoshi Hosseini, 2023).

نتایج پژوهش ادیب منش نشان داد، تغییر و اصلاح رفتار و روش های آموزش و عوامل پیامدی در نگاهی جامع و چند سویه به نظام آموزشی در قالب برنامه های آشکار درسی تاکید بر برنامه درسی پنهان و کارکردهای آن شامل ساختار مراکز آموزشی، جو

اجتماعی و خانواده، شکل گیری مهارت های اجتماعی دانش آموزان تاثیر دارد که به نوعی به اهمیت جایگاه معلمان در تدارک برنامه های آشکار درسی با تاکید بر برنامه های درسی پنهان و شناسایی عوامل موثر در آن اشاره دارد (AdibManesh et al., 2012).

نتایج پژوهش کاظمی و همکاران در سال ۱۴۰۱ نشان داد فرایند نخبه پروری در مدارس ابتدایی کشور ایران مؤلفه های مهمی همچون مشارکت دانش آموزان در مدیریت امور مدرسه و تصمیم گیری و تصمیم سازی دانش آموزی و آماده سازی محیط آموزشی به طور خاص مرتبط است (Kazemi et al., 2022).

شرایط سخت افزاری با متغیرهای متعددی مرتبط است که از عمده ترین آنها می توان فضا، منابع مکتوب دیجیتال، قوانین و دسترسی نام برد. شرایط نرم افزاری از آن جهت که به عاملان اجرای برنامه درسی مربوط شده است با سه متغیر اصلی قابل شناسایی است: دانش و آگاهی عاملان برنامه ریزی درسی مدرسه محور، انگیزه و احساسات عاملان برنامه ریزی درسی مدرسه محور و مهارت و تجربه عاملان برنامه ریزی درسی مدرسه محور؛ این سه متغیر ابعاد مختلف رفتار عاملان برنامه ریزی درسی را نشان خواهد داد.

بنابراین با توجه به شناخت پیش شرط ها و ضروریات مهم در برنامه درسی مدرسه محور و با توجه به اینکه یکی از اهداف و رسالت های مهم مدارس تدارک سیستم مدرسه محوری می باشد. سوال اساسی این است که آیا مدارس توانمندی لازم را در سه حوزه دانش، نگرش، مهارت نسبت به برنامه درسی دارند؟ و اینکه آیا امکانات ضروری برای تحقق سیستم برنامه ریزی درسی مدرسه محور در مدارس وجود دارد؟

آنچه در این پژوهش دنبال می شود آن است که عاملان احتمالی برنامه ریزی درسی مدرسه محور در دوره ابتدایی (یعنی معاونان و معلمان) و تصمیم گیرندگان نظام آموزشی (مدیران) در این باره چگونه می اندیشند. بنابراین برای مقایسه و بررسی میزان توانمندی برنامه ریزی درسی مدرسه محور به داده هایی استنباط می شود که مربوط به این سه گروه است. تصویری که این سه گروه از شرایط ارائه می کنند مبنای تحلیل و پاسخ گویی به این پرسش خواهد بود که آیا مدیران معلمان و معاونان مدارس ابتدایی شهرستان بردسیر توانمندی لازم را در زمینه برنامه ریزی درسی مدرسه محور را دارند؟

هدف کلی پژوهش

بررسی و مقایسه میزان توانمندی مدیران، معاونان و معلمان مدارس دوره ابتدایی شهرستان بردسیر در تحقق نظام برنامه ریزی درسی مدرسه محور

اهداف ویژه پژوهش

بررسی سطح دانش مدیران، معاونان، معلمان مدارس دوره ابتدایی در زمینه برنامه ریزی درسی مدرسه محور
بررسی سطح نگرش مدیران، معاونان، معلمان مدارس دوره ابتدایی در زمینه برنامه ریزی درسی مدرسه محور
بررسی سطح مهارت مدیران، معاونان، معلمان مدارس دوره ابتدایی در زمینه برنامه ریزی درسی مدرسه محور
بررسی وضعیت امکانات ضروری مدارس دوره ابتدایی در زمینه برنامه ریزی درسی مدرسه محور
مقایسه سطح دانش مدیران، معاونان، معلمان مدارس دوره ابتدایی در زمینه برنامه ریزی درسی مدرسه محور
مقایسه سطح نگرش مدیران، معاونان، معلمان مدارس دوره ابتدایی در زمینه برنامه ریزی درسی مدرسه محور
مقایسه سطح مهارت مدیران، معاونان، معلمان مدارس دوره ابتدایی در زمینه برنامه ریزی درسی مدرسه محور
بررسی میزان علاقه مندی مدیران، معاونان و معلمان برای تألیف کتاب
ارزیابی مدیران، معاونان، معلمان از مهارت خود در تألیف کتاب

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات زمینه ای-مقایسه ای می باشد. با توجه به این امر، جامعه آماری پژوهش مشتمل بر معلمان و معاونان و مدیران دبستان های شهر بردسیر می باشد. حجم نمونه به صورت کلی ۱۹۰ است که شامل ۱۵۰ معلم و ۱۵ معاون

و ۲۵ مدیر است براساس برآورد حجم و تناسب گروه ها در جامعه است. در این پژوهش، برای انتخاب مدارس از روش نمونه گیری طبقه ای استفاده شد. در هر طبقه به طور تصادفی مدارس انتخاب شدند. از آنجا که عوامل برنامه ریزی درسی مدرسه محور در مدارس ابتدایی، آموزگاران می باشند و مدیران و معاونان هم به عنوان تصمیم گیرندگان نظام برنامه درسی قلمداد می شوند، بنابراین معلمان و معاونان و مدیران دبستان های شهرستان بردسیر گروه اطلاع رسان این پژوهش می باشند. از این رو، در راستای بررسی و مقایسه میزان توانمندی گروه های مخاطب از برنامه ریزی درسی مدرسه محور، چهار متغیر دانش، نگرش، مهارت و امکانات در سه گروه مدیران و معاونان و معلمان مورد سنجش و بررسی قرار گرفت.

برای گردآوری اطلاعات در این پژوهش، از پرسشنامه ملکی (۱۳۸۵) با روایی ۰/۸۶۹ و پایایی ۰/۸۵۶. استفاده شد که سوالات آن به صورت بسته پاسخ طرح گردیده است. برای سنجش میزان دانش، نگرش و مهارت گروه های مخاطب به تجزیه و تحلیل داده ها ابتدا با استفاده از جداول فراوانی و نمودارهای ستونی، توصیفی از ویژگی های عمومی و متغیرهای تحقیق ارائه می گردد، سپس با استفاده از آزمون های خی دو و ضریب همبستگی به بررسی سوالات پرداخته می شود. کلیه تجزیه و تحلیل های آماری توسط نرم افزار کامپیوتری SPSS نسخه ۲۱ انجام شده است.

یافته ها

الف) ویژگی های جمعیت شناختی مدیران، معاونان، معلمان دبستان های شهرستان بردسیر از بین ۱۹۰ مخاطب مورد بررسی سمت ۲۵ نفر مدیر، ۱۵ نفر معاون، ۱۵۰ نفر معلم در دبستان های شهرستان بردسیر بوده است، که توزیع درصد فراوانی جنس، سن، میزان تحصیلات، سابقه خدمت به تفکیک سمت آن ها در جدول زیر ارایه شده است.

جدول ۱. توزیع درصد فراوانی جنس، سن، میزان تحصیلات، سابقه خدمت

متغیر	گروه			کل	
	مدیر	معاون	معلم		
جنس	مرد	۴۰	۵۳/۳	۳۷/۴	
	زن	۶۰	۴۶/۷	۶۲/۶	
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	
سن(سال)	کمتر از ۳۵ سال	۱۲	۶/۷	۱۱/۱	
	۳۵ تا ۴۰ سال	۲۸	۶۰	۳۴/۲	
	۴۰ تا ۴۵ سال	۱۲	۶/۷	۱۲/۱	
	۴۵ تا ۵۰ سال	۱۶	۱۳/۳	۱۶/۳	
	بالای ۵۰ سال	۳۲	۱۳/۳	۲۶/۳	
	کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	
	میزان تحصیلات	فوق دیپلم	۰	۰	۲/۶
		لیسانس	۵۲	۷۳/۳	۵۳/۲
فوق لیسانس		۴۸	۲۶/۷	۴۴/۲	
کل		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	
سابقه خدمت	کمتر از ۱۰ سال	۲۸	۱۳/۳	۲۴/۷	
	۱۰ تا ۱۵ سال	۲۴	۴۰	۲۶/۳	
	۱۵ تا ۲۰ سال	۲۰	۱۳/۳	۳۰/۵	
	بالای ۲۰ سال	۲۸	۳۳/۳	۱۸/۴	
	کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

ب) وضعیت متغیر دانش مدیران، معاونان و معلمان دبستان شهرستان بردسیر در تحقق نظام برنامه درسی با توجه به تجزیه و تحلیل داده ها از بین آزمودنی های مورد بررسی کمترین نمره دانش برابر ۱۰، بالاترین نمره دانش برابر ۲۴، میانگین برابر ۱۷/۲۴، انحراف معیار برابر ۳/۸۲ و مد نمرات برابر ۱۶، کشیدگی نمرات ۰/۳۵۱ و چولگی متغیر دانش برابر ۰/۱۳- است. (جدول شماره ۲)

جدول ۲- آماره های توصیفی متغیر دانش

متغیر دانش	تعداد	مینیمم	ماکزیمم	میانگین	انحراف معیار	مد	کشیدگی	چولگی
	۱۹۰	۱۰	۲۴	۱۷/۲۴	۳/۸۲	۱۶	۰/۳۵۱	-۰/۱۳

سوال: آیا مدیران، معاونان، معلمان مدارس دوره ابتدایی شهرستان بردسیر در تحقق نظام برنامه ریزی درسی مدرسه محور از دانش کافی برخوردار هستند؟

برای برآورد میزان دانش گروه های مخاطب از آزمون خبی دو استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان می دهد که از لحاظ آماری میزان دانش در سه گروه مدیر، معاون و معلم تفاوت معناداری دارد (مقدار معناداری کلی > 0.05)، از طرفی مشاهده شد که ۱۶ نفر (۶۴ درصد) از مدیران، ۱۳ نفر (۸۶/۷ درصد) از معاونان و ۱۳۸ نفر (۹۲ درصد) از معلمان و بطور کلی ۸۷/۹ درصد از افراد از دانش کافی در زمینه تحقق نظام برنامه ریزی درسی مدرسه محور برخوردارند. (جدول شماره ۳)

جدول ۳. برآورد نمره دانش گروه های مخاطب

مقدار معناداری	مقدار معناداری کل	آماره خبی دو کل گروه ها	مقدار معناداری	آماره خبی دو	کل	کافی	ناکافی	دانش	
								مدیر	معاون
۰/۰۰۱		۱۵/۸۱	۰/۱۶۲	۱/۹۶	۲۵	۱۶	۹	فراوانی	مدیر
						۶۴	۳۶	درصد	
			۰/۰۰۵	۸/۰۶	۱۵	۱۳	۲	فراوانی	معاون
						۸۶/۷	۱۳/۳	درصد	
			۰/۰۰۱	۱۰۵/۸۴	۱۵۰	۱۳۸	۱۲	فراوانی	معلم
						۹۲	۸	درصد	
			۰/۰۰۱	۱۰۹/۱۳۷	۱۹۰	۱۶۷	۲۳	فراوانی	کل
						۸۷/۹	۱۲/۱	درصد	

ج) وضعیت نگرش مدیران، معاونان، معلمان دبستان های شهرستان بردسیر در تحقق نظام برنامه درسی مدرسه محور با توجه به تجزیه و تحلیل داده ها از بین آزمودنی های مورد بررسی کمترین نمره نگرش برابر ۱، بالاترین نمره نگرش برابر ۱۰، میانگین برابر ۵/۶۲، انحراف معیار برابر ۲/۳۵ و مد نمرات برابر ۴، کشیدگی نمرات ۰/۴۸- و چولگی متغیر نگرش برابر ۰/۰۶ است. (جدول شماره ۴)

جدول ۴- آماره های توصیفی متغیر نگرش

متغیر نگرش	تعداد	مینیمم	ماکزیمم	میانگین	انحراف معیار	مد	کشیدگی	چولگی
	۱۹۰	۱	۱۰	۵/۶۲	۲/۳۵	۴	-۰/۴۸	۰/۰۶

سوال: آیا مدیران، معاونان، معلمان مدارس دوره ابتدایی شهرستان بردسیر در تحقق نظام برنامه ریزی درسی مدرسه محور دارای نگرش مناسبی هستند؟

برای برآورد میزان نگرش گروه های مخاطب از آزمون خی دو استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان می دهد که از لحاظ آماری میزان نگرش در سه گروه مدیر، معاون و معلم تفاوت معناداری ندارد (مقدار معناداری کلی < 0.05)، از طرفی مشاهده شد که ۱۳ نفر (۵۲ درصد) از مدیران، ۸ نفر (۵۳/۲ درصد) از معاونان و ۷۶ نفر (۵۰/۷ درصد) از معلمان و بطور کلی ۵۰ درصد از افراد از نگرش مثبت در زمینه تحقق نظام برنامه ریزی درسی مدرسه محور برخوردارند (جدول ۵).

جدول ۵. برآورد نمره نگرش گروه های مخاطب

مقدار معناداری کل	مقدار معناداری کل	آماره خی دو کل برای تفاوت بین گروه ها	مقدار معناداری	آماره خی دو	کل	مثبت	منفی	نگرش		
								مدیر	معاون	
۰/۹۳	۰/۱۳	۰/۸۴	۰/۰۴	۲۵	۱۳	۱۲	۴۸	فراوانی	۱۰۰	
								درصد	۵۲	
								فراوانی	۱۰۰	
									درصد	۵۳/۳
								فراوانی	۷	
									درصد	۴۶/۷
	فراوانی	۱۵								
		درصد	۸							
	۰/۷۹	۰/۰۶۷	۱۵۰	۷۴	۱۹۰	۹۵	۹۵	۵۰/۷	فراوانی	۱۰۰
									درصد	۴۹/۳
									فراوانی	۱۰۰
										درصد
فراوانی									۷۶	
									درصد	۴۹/۳
فراوانی	۱۵۰									
	درصد	۷۴								
کل	۱	۰/۰۰۰	۱۹۰	۹۵	۹۵	۵۰	فراوانی	۱۰۰		
							درصد	۵۰		

د) میزان مهارت مدیران، معاونان و معلمان دبستان های شهرستان بردسیر در تحقق نظام برنامه ریزی درسی مدرسه محور با توجه به تجزیه و تحلیل داده ها از بین آزمودنی های مورد بررسی کمترین نمره مهارت برابر ۱، بالاترین نمره مهارت برابر ۵، میانگین برابر ۲/۵۱، انحراف معیار برابر ۱/۲ و مد نمرات برابر ۲، کشیدگی نمرات ۰/۱۳ و چولگی متغیر مهارت برابر ۰/۱۷- است. (جدول ۶).

جدول ۶- آماره های توصیفی متغیر مهارت

متغیر مهارت	تعداد	مینیمم	ماکزیمم	میانگین	انحراف معیار	مد	کشیدگی	چولگی
	۱۹۰	۱	۵	۲/۵۱	۱/۲	۲	۰/۱۳	-۰/۱۷

سوال: آیا مدیران، معاونان، معلمان مدارس دوره ابتدایی شهرستان بردسیر در تحقق نظام برنامه ریزی درسی مدرسه محور از مهارت کافی برخوردار هستند؟

برای برآورد میزان مهارت گروه های مخاطب از آزمون خی دو استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان می دهد که از لحاظ آماری میزان مهارت در سه گروه مدیر، معاون و معلم تفاوت معناداری ندارد (مقدار معناداری کلی < 0.05)، از طرفی مشاهده شد که ۲ نفر (۸ درصد) از مدیران، ۳ نفر (۲۰ درصد) از معاونان و ۱۰ نفر (۷ درصد) از معلمان و بطور کلی ۵/۶ درصد از افراد از مهارت کافی در زمینه تحقق نظام برنامه ریزی درسی مدرسه محور برخوردارند (جدول ۷).

جدول ۷. برآورد نمره مهارت گروه های مخاطب

مقدار معناداری کل	آماره خی دو کل برای تفاوت بین گروه ها	مقدار معناداری	آماره خی دو	کل	کافی	ناکافی	مهارت سمت			
							مدیر	معاون		
۰/۲۱	۳/۰۵	۰/۰۰۱	۱۷/۶۴	۲۵	۲	۲۳	فراوانی	مدیر		
				۱۰۰	۸	۹۲	درصد			
		۰/۰۲	۵/۴	۱۵	۳	۱۲	۸۰	۲۰	فراوانی	معاون
									۱۰۰	۲۰
		۰/۰۰۱	۱۰۵/۷۹	۱۴۳	۱۰	۱۳۳	۹۳	۷	فراوانی	معلم
									۱۰۰	۷
		۰/۰۰۱	۱۴۰/۲۴	۱۷۸	۱۰	۱۶۸	۹۴/۴	۵/۶	فراوانی	کل
									۱۰۰	۵/۶

و) میزان امکانات دبستان های شهرستان بردسیر در تحقق نظام برنامه ریزی درسی مدرسه محور با توجه به تجزیه و تحلیل داده ها از بین آزمودنی های مورد بررسی کمترین نمره امکانات برابر ۱، بالاترین نمره امکانات برابر ۹، میانگین برابر ۵/۰۹، انحراف معیار برابر ۱/۸۳ و مد نمرات برابر ۶، کشیدگی نمرات ۰/۳۷ و چولگی متغیر امکانات برابر ۰/۸۲- است. (جدول ۸).

جدول ۸- آماره های توصیفی متغیر امکانات

متغیر امکانات	تعداد	مینیمم	ماکزیمم	میانگین	انحراف معیار	مد	کشیدگی	چولگی
	۱۹۰	۱	۹	۵/۰۹	۱/۸۳	۶	۰/۳۷	-۰/۸۲

سوال: آیا امکانات ضروری مدارس ابتدایی شهرستان بردسیر در تحقق نظام برنامه ریزی درسی مدرسه محور کافی است؟ برای برآورد میزان امکانات گروه های مخاطب از آزمون خی دو استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان می دهد که از لحاظ آماری امکانات از نظر سه گروه مدیر، معاون و معلم تفاوت معناداری دارد (مقدار معناداری کلی $> 0/05$)، از طرفی مشاهده شد که ۹ نفر (۴۰/۹ درصد) از مدیران، ۶ نفر (۴۰ درصد) از معاونان و ۲۰ نفر (۱۳/۳ درصد) از معلمان و بطور کلی ۱۸/۷ درصد از افراد امکانات مدارس خود را در زمینه تحقق نظام برنامه ریزی درسی مدرسه محور مناسب می دانند (جدول ۹).

جدول ۹. برآورد میزان امکانات گروه های مخاطب

مقدار معناداری کل	آماره خی دو کل برای تفاوت بین گروه ها	مقدار معناداری	آماره خی دو	کل	مناسب	نامناسب	امکانات سمت			
							مدیر	معاون		
۰/۰۰۱	۱۴/۴۴	۰/۳۹	۰/۷۲	۲۲	۹	۱۳	فراوانی	مدیر		
				۱۰۰	۴۰/۹	۵۹/۱	درصد			
		۰/۴۳	۰/۶	۱۵	۶	۹	۶۰	۴۰	فراوانی	معاون
									۱۰۰	۴۰
		۰/۰۰۱	۸۰/۶۶	۱۵۰	۲۰	۱۳۰	۸۶/۷	۱۳/۳	فراوانی	معلم
									۱۰۰	۱۳/۳
		۰/۰۰۱	۷۳/۲	۱۸۷	۳۵	۱۵۲	۸۱/۳	۱۸/۷	فراوانی	کل
									۱۰۰	۱۸/۷

ه) آیا بین دانش، نگرش، مهارت گروه های مخاطب (مدیران و معاونان و معلمان) نسبت به برنامه ریزی مدرسه محور رابطه وجود دارد؟

برای بررسی این سوال از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می شود. نتایج حاصل از این آزمون در جدول ۱۰ آمده است.

جدول ۱۰- نتایج آزمون ضریب همبستگی بین سه متغیر دانش نگرش و مهارت در سه گروه مدیران، معاونین و معلمان

گروه	متغیرها	ضریب همبستگی	مقدار معناداری	تفسیر رابطه
مدیران	نگرش و دانش	۰/۱۵۴	۰/۰۳۸	معنادار و مستقیم
	نگرش و مهارت	۰/۲۴	۰/۰۱۴	معنادار و مستقیم
	دانش و مهارت	۰/۴۰۶	۰/۰۰۱	معنادار و مستقیم
معاونان	نگرش و دانش	۰/۶۵۴	۰/۰۰۱	معنادار و مستقیم
	نگرش و مهارت	۰/۳۹۵	۰/۰۰۲	معنادار و مستقیم
	دانش و مهارت	۰/۶۶۸	۰/۰۰۱	معنادار و مستقیم
معلمان	نگرش و دانش	۰/۲۹	۰/۰۳۸	معنادار و مستقیم
	نگرش و مهارت	۰/۶۰۵	۰/۰۰۱	معنادار و مستقیم
	دانش و مهارت	۰/۳۴	۰/۰۱۶	معنادار و مستقیم

با توجه به جدول ۱۰ مشاهده می شود که مقادیر معناداری برای رابطه بین هر سه متغیر در هر سه گروه کمتر از ۰/۰۵ می باشد و همچنین میزان ضریب همبستگی آنها مثبت می باشد. بنابراین نتیجه می شود که رابطه معنادار و مستقیمی بین همه متغیرها برای هر سه گروه وجود دارد. یعنی می توان گفت در هر سه گروه افزایش نگرش باعث افزایش دانش و مهارت می شود و افزایش دانش نیز باعث افزایش مهارت می گردد و برعکس. همه این متغیرها با هم رابطه مستقیم دارند.

م) گروه های مخاطب (مدیران و معاونان و معلمان)، میزان علاقه خود را برای تالیف کتاب درسی چگونه ارزیابی می کنند؟ برای برآورد میزان علاقه به تالیف کتاب درسی گروه های مخاطب از آزمون خی دو استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان می دهد که از لحاظ آماری میزان علاقه به تالیف کتاب درسی در سه گروه مدیر، معاون و معلم تفاوت معناداری ندارد (مقدار معناداری کلی < ۰/۰۵)، از طرفی مشاهده شد که ۹ نفر (۴۵ درصد) از مدیران، ۶ نفر (۶۰ درصد) از معاونان و ۶۸ نفر (۴۹/۳ درصد) از معلمان و بطور کلی ۴۹/۴ درصد از افراد میزان علاقه خود به تالیف کتاب درسی را در حد زیاد و خیلی زیاد می دانند (جدول ۱۱).

جدول ۱۱. برآورد میزان علاقه به تالیف کتاب گروه های مخاطب

امکانات سمت	تا حدی	زیاد	خیلی زیاد	کل	آماره خی دو	مقدار معناداری	آماره خی دو تفاوت بین گروه ها برای کل	مقدار معناداری کل	امکانات	
									مدیر	معاون
مدیر	۱۱	۶	۳	۲۰	۴/۹	۰/۰۸۶	۵/۲۲	۰/۲۶۵	فراوانی	۱۱
	۵۵	۳۰	۱۵	۱۰۰	درصد	۵۵				
معاون	۴	۴	۲	۱۰	۰/۸	۰/۶۷	۵/۲۲	۰/۲۶۵	فراوانی	۴
	۴۰	۴۰	۲۰	۱۰۰	درصد	۴۰				
معلم	۷۰	۲۵	۴۳	۱۳۸	۲۲/۳	۰/۰۰۱	۵/۲۲	۰/۲۶۵	فراوانی	۷۰
	۵۰/۷	۱۸/۱	۳۱/۲	۱۰۰	درصد	۵۰/۷				
کل	۸۵	۳۵	۴۸	۱۶۸	۲۴/۰۳	۰/۰۰۱	۵/۲۲	۰/۲۶۵	فراوانی	۸۵
	۵۰/۶	۲۰/۸	۲۸/۶	۱۰۰	درصد	۵۰/۶				

ع) گروه های مخاطب (مدیران و معاونان و معلمان)، میزان مهارت خود را برای تالیف کتاب درسی چگونه ارزیابی می کنند؟ برای برآورد میزان مهارت تالیف کتاب درسی گروه های مخاطب از آزمون خبی دو استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان می دهد که از لحاظ آماری میزان مهارت در تالیف کتاب درسی در سه گروه مدیر، معاون و معلم تفاوت معناداری ندارد (مقدار معناداری کلی < 0.05)، از طرفی مشاهده شد که ۱۲ نفر (۶۳/۲ درصد) از مدیران، ۶ نفر (۶۰ درصد) از معاونان و ۷۴ نفر (۵۵/۶ درصد) از معلمان و بطور کلی ۵۶/۸ درصد از افراد میزان مهارت خود در تالیف کتاب درسی را در تا حدی می دانند (جدول ۱۲).

جدول ۱۲. برآورد میزان مهارت تالیف کتاب گروه های مخاطب

مقدار معناداری کل	آماره خبی دو کل برای تفاوت بین گروه ها	مقدار معناداری	آماره خبی دو	کل	تا حدی	ضعیف	امکانات			
							مدیر	معاون		
۰/۸۰۷	۰/۴۲۸	۰/۲۵	۱/۳۱	۱۹	۱۲	۷	فراوانی	مدیر		
				۱۰۰	۶۳/۲	۳۶/۸	درصد			
		۰/۵۲	۰/۴	۱۰	۶	۴	فراوانی	معاون		
				۱۰۰	۶۰	۴۰	درصد			
		۰/۱۹	۱/۶۹	۱۳۳	۷۴	۵۹	۷۴	۵۹	فراوانی	معلم
						۱۰۰	۵۵/۶	۴۴/۴	درصد	
۰/۰۸۴	۲/۹۸	۱۶۲	۹۲	۷۰	۹۲	۷۰	فراوانی	کل		
				۱۰۰	۵۶/۸	۴۳/۲	درصد			

بحث و نتیجه گیری

بر اساس نتایج به دست آمده در خصوص بررسی میزان توانمندی مدیران و معلمان و معاونان دبستان های شهرستان بردسیر در تحقق نظام برنامه ریزی درسی مدرسه محور، در سه بخش دانش، مهارت و نگرش و نیز توجه به امکانات ضروری دبستان های شهرستان بردسیر مباحث تامل برانگیز بدین شرح است :

در خصوص سطح دانش گروه های مخاطب سطح دانش این گروه در کل کافی است (۸۷/۹) و بیشترین میزان سطح دانش مربوط به معلمان (۹۲) درصد بوده است و پس از آن معاونین و سپس مدیران. این موضوع پتانسیل بالای معلمان برای اجرای برنامه درسی مدرسه محور را نشان می دهد.

در زمینه نگرش گروه های مخاطب، در کل نگرش مثبت و مناسب نسبت به اهمیت و کارکرد مثبت برنامه ریزی درسی مدرسه محور ناکافی و نا مطلوب بوده است و نتایج نشان می دهد معاونان بیشترین میزان (۵۳/۳ درصد) نگرش مثبت نسبت به برنامه ریزی درسی مدرسه محور برخوردارند. همچنین درصد بالایی از معلمان دارای نگرش منفی هستند (۵۰/۷ درصد). این در حالی است که معلم و نگرش وی شرط اساسی تدوین و یا بازنگری و اصلاح برنامه های درسی می باشد.

در مورد میزان مهارت گروه های مخاطب در کل سطح این مهارت ناکافی بوده است (۹۴/۴ درصد) میزان مهارت از بیشترین سطح تا کمترین سطح مربوط به مدیران، معاونان و معلمان بوده است. این موضوع در جریان تلاش جهت تفویض اختیار به مدارس ابتدایی در امور آموزشی و درسی امری نگران کننده است و لزوم تدارک دوره های تخصصی در جهت ارتقا سطح مهارتی گروه های مخاطب را می طلبد.

در ارتباط با وضعیت امکانات ضروری جهت تحقق نظام برنامه ریزی درسی مدرسه محور بر اساس نتایج به دست آمده، بیشتر افراد گروه های مخاطب امکانات فعلی دبستان را نامناسب دانسته اند (۸۱/۳ درصد) در حالیکه بستر سازی و مهیا نمودن وضعیت فیزیکی و توجه به تناسب و امکانات فضای آموزشی شرط ضروری تحقق نظام برنامه ریزی درسی مدرسه محور می باشد. بیشترین افرادی که از وضعیت امکانات اظهار نارضایتی کرده اند مدیران و سپس معاونین و معلمان بوده اند.

زین الدینی میمند (۱۳۹۰) به این نتیجه دست یافت که معاونان، معلمان و رؤسای مجتمع های آموزشی و پرورشی در تحقق نظام برنامه درسی مدرسه محور از دانش کافی برخوردارند، اما مدیران این مجتمع از دانش کافی برخوردار نیستند. همچنین معاونان و معلمان و رؤسای انجمن در تحقق نظام برنامه درسی مدرسه محور از نگرش و مهارت مناسبی برخوردار نمی باشند. از دیدگاه گروه های مخاطب امکانات ضروری مجتمع های آموزشی کافی نمی باشد (Zeinaddiny Meymand, 2015). پیری و بهروزی تبار (۱۳۹۴) به این نتایج دست یافتند که تمرکززدایی از نظام برنامه ریزی درسی، کیفیت بخشی آموزشی و اجرای برنامه ریزی درسی مدرسه محور با توجه به توانمندی ها و ظرفیت های مدارس از طریق برنامه ریزی درسی مدرسه محور امکان پذیر است در حالی که از نظراساتید و کارشناسان مسئول در امکان تمرکززدایی از نظام برنامه ریزی درسی و اجرای برنامه ریزی درسی مدرسه محور باتوجه به توانمندی ها و ظرفیت های مدارس تفاوت معناداری وجود داشته اما در کیفیت بخشی آموزشی از طریق برنامه ریزی درسی مدرسه محور بین دو گروه تفاوت وجود ندارد (Piri & Behrozitabar, 2016).

در هر صورت ایجاد بستر مناسب در زمینه نگرش مساعد زمینه ساز رفتار و عملکرد تخصصی در امور مربوط به برنامه ریزی درسی است. در واقع نگرش به عنوان پیش زمینه مهارت از اهمیت خاصی برخوردار است. براساس نتایج پژوهش، چهار گروه مخاطب از مهارت ناکافی در زمینه برنامه ریزی درسی مدرسه محور برخوردارند. این نتیجه تا حدی قابل توجیه است، بدین دلیل که نگرش مناسب طبق نتایج وجود نداشته است. بنابراین پیش زمینه مناسب جهت ایفای نقش مهارتی درخور و شایسته فراهم نمی باشد.

یکی از الزامات برنامه ریزی درسی مدرسه محور توان مهارتی در سطح بالا می باشد. ضعف در این خصوص نکته مهم و بحث برانگیزی است که نباید به سادگی از آن گذشت. زین الدینی (۱۳۹۹)، معلم را به عنوان یکی از حلقه های نظام آموزشی و مهم ترین عنصر آن تلقی می کند و معتقد است ضعف ایشان می تواند موجب ازهم پاشیدن این زنجیره و شکست در دستیابی به هدفها باشد. بنابراین باید از تبدیل شدن معلم به ضعیف ترین حلقه در نظام برنامه ریزی درسی جلوگیری کرد تا تغییر شکل برنامه ها از این ناحیه سرچشمه نگیرد.

از جمله نکات منفی که بدان اشاره کرد بی کفایتی معلمان برای تهیه مواد آموزشی می باشد نه نگارش و تدوین برنامه ها برای اجرا معلمانی که آموزش داده می شوند و از آنها انتظار می رود فرایند آموزش را محقق سازند، ضرورتاً برای ساخت مواد درسی توانایی ندارند. تحمیل نمودن وظیفه اضافی دیگری برای تدوین محتوای درسی به معلمانی که مسئولیت سنگین تدریس ساعت های زیادی را برعهده دارند، ممکن است زمان در دسترس آنان را برای فعالیت های مربوط به تدریس کاهش دهد. مورد دیگر که جای بحث و تأمل دارد این است که برنامه ریزی درسی مدرسه محور تا حد زیادی به نوآوری و پیش قدمی مدرسه، منابع مالی و انسانی و حمایت انجمن اولیا و مربیان مدرسه وابسته است. مدارس از حیث دسترسی به امکانات منابع مالی و انسانی با یکدیگر متفاوتند؛ از این رو برنامه ریزی درسی مدرسه محور ممکن است هدفهای ملی برابری فرصت های آموزشی را به مخاطره اندازد (Zeinaddiny Meymand, 2015; Zeinaddiny Meymand & Sharifi, 2019).

بر اساس نتایج پژوهش حاضر در زمینه امکانات موجود در مدارس برای انجام برنامه ریزی درسی مدرسه محور، ۴۰/۹ درصد مدیران، بر این باورند که مدارسشان از امکانات مناسب برای انجام این سنت برنامه ریزی درسی برخوردار نیست. لزوم وجود منابع مناسب چون کتاب های تخصصی، لوح های فشرده آموزشی و علمی، نشریه های مرتبط با موضوع تعلیم و تربیت، اینترنت و امکان استفاده از آن، بانک اطلاعات کتاب های درسی و وجود کادر تخصصی خبره در زمینه برنامه ریزی درسی مدرسه محور از بدیهیات است.

یافته های پژوهش در زمینه ارزیابی آمودنیها از میزان مهارتشان برای تألیف کتاب درسی، بیانگر این مطلب است که حدود نیمی از آمودنیها (۵۶/۷۹ درصد)، بر این باورند که تا حدی از مهارت لازم برخوردارند. ۴۳/۲۱ درصد مهارت خود را ضعیف ارزیابی کرده اند. این نتیجه با توجه به مهارت ناکافی آمودنیها توجیه پذیر است. مهارت در تدوین محتوا یکی از مهارت های ضروری برای اقدام به برنامه ریزی درسی مدرسه محور می باشد بنابراین لازم است زمینه و بستر لازم برای دستیابی کادر آموزشی به مهارت لازم و کافی در این زمینه فراهم شود. پس این نیاز وجود دارد که تدابیری اتخاذ شود تا مهارت کادر آموزشی مدرسه افزایش یابد و آنها به این خود باوری برسند که می توانند در نظام آموزشی غیر متمرکز ایفای نقش نمایند. با توجه به اینکه ارزیابی گروه های مخاطب از خودشان این است که برای تألیف کتاب درسی از اصولی ترین اقدامات در برنامه ریزی درسی

می باشد، مهارت کافی ندارند، باید زمینه بحث و کاوش فراهم شود به طور قطع این خودباوری در آنان به وجود خواهد آمد که توانایی انجام برنامه ریزی درسی مدرسه محور را دارند.

بر اساس نتایج حاصل از پژوهش حاضر در زمینه ارزیابی آزمودنی ها از میزان علاقه خود برای تألیف کتاب درسی، ۵۰/۶ درصد معتقدند تا حدی به تألیف علاقه دارند، ۲۰/۸ درصد از آزمودنی ها علاقه خود را زیاد ارزیابی کرده اند و تنها ۲۸/۶ درصد به طور کامل به تألیف کتاب درسی علاقه دارند. این نتیجه می تواند یک هشدار جدی برای مسئولان باشد که به ایجاد و تقویت نگرش مثبت در عوامل و دست اندرکاران مدرسه همت گمارند. با توجه به اینکه تألیف کتاب توسط کادر آموزشی مدرسه و به ویژه معلم به عنوان نماینده حوزه عمل در نظام غیر متمرکز آموزشی یک امر ضروری است؛ بنابراین دست اندرکاران می بایست از علاقه کامل و کافی در این زمینه برخوردار باشد. زیرا عدم علاقه ایشان یکی از موانع اجرای برنامه ریزی درسی مدرسه محور می باشد. بنابراین در زمینه اقدام به برنامه ریزی درسی مدرسه محور باید تجدید نظر شود و در شرایط کنونی باید محتاطانه تصمیم گیری شود. طبق یافته های پژوهش بستر لازم برای اقدام به این نوع سنت برنامه ریزی درسی وجود ندارد.

نتایج پژوهش در زمینه بررسی رابطه بین دانش گروه های مخاطب و نگرش آن ها نسبت به برنامه ریزی درسی مدرسه محور نشانگر وجود رابطه مستقیم در هر سه گروه می باشد. این نتیجه بدان معنی است که هر چه نمره دانش آزمودنی ها بیشتر باشد، نوع نگرش آن ها نسبت به برنامه ریزی درسی مدرسه محور مثبت تر می باشد. بنابراین می توان امیدوار بود که با افزایش دانش، نگرش مثبت گردد. لذا اقدام به آموزش کادر آموزشی و بازسازی دانش آنها و نیز همت ایشان برای به روز کردن اطلاعاتشان در مثبت شدن نگرش آنها تأثیر مثبت خواهد داشت. البته با توجه به نتایج تحقیق کنونی می توان نتیجه گرفت که هنوز دانش گروه های مخاطب نیاز به تکمیل و بازسازی دارد، تا بتواند نگرش ایشان را به طور کامل تحت تأثیر قرار دهد. در این زمینه نباید از عوامل مهم انگیزشی در جهت تقویت مهارت برنامه ریزی درسی مدرسه محور غافل شد.

در زمینه رابطه بین نگرش گروه های مخاطب و مهارت آنها برای اقدام به برنامه ریزی درسی مدرسه محور، نتایج به دست آمده نشان می دهد که بین نوع نگرش و مهارت آنها برای اقدام به برنامه ریزی درسی مدرسه محور رابطه وجود دارد و نتایج نشان می دهد که نوع نگرش توانسته بر میزان مهارت آنها تأثیر بگذارد. پس نوع نگرش و دیدگاه افراد بر مهارت آنها برای اقدام به هر نوع عملی تأثیر مثبت دارد.

بر اساس نتایج حاصل از پژوهش در زمینه رابطه بین دانش گروه های مخاطب و مهارت آنها برای اقدام به برنامه ریزی درسی مدرسه محور، بین میزان دانش و مهارت برای اقدام به برنامه ریزی درسی مدرسه محور رابطه وجود دارد. نتایج این پژوهش نشان می دهد که هنوز دانش گروه های مخاطب نیاز به تکمیل و بازسازی دارد، تا بتواند مهارتشان را به طور کامل تحت تأثیر قرار دهد. چنانچه این مهارت ها تقویت شود معلمان به عنوان اصلاح گران حقیقی سیستم های آموزشی نقش موثری در تدوین برنامه های تکمیلی و حتی فوق برنامه خواهند داشت (Zeinaddiny Meymand, 2020).

بر اساس نتایج امکانات در مدارس ابتدایی شهرستان بردسیر برای انجام برنامه ریزی درسی مدرسه محور مناسب نمی باشد. در حالیکه بستر سازی و مهیا نمودن وضعیت فیزیکی و توجه به تناسب و امکانات فضای آموزشی شرط ضروری تحقق نظام برنامه ریزی درسی مدرسه محور می باشد.

امید است با اتخاذ رویکرد هایی عالمانه و همه جانبه، برنامه ریزی های اصولی و کارشناسانه در جهت ارتقا سطح مدارس ابتدایی شهرستان بردسیر صورت گیرد تا پیش از پیش به اهداف متعالی سیستم آموزشی و پرورشی نزدیک شویم. در این راستا پیشنهاد های زیر بر اساس توجه خاص به متغیرهای اصلی حوزه تخصصی برنامه ریزی درسی مدرسه محور ارائه می شود که در رابطه با هر یک از چهار متغیر اصلی پژوهش پیشنهادات کاربردی متناسب با هر متغیر به صورت جداگانه آمده است.

متغیر دانش:

از آنجایی که دانش یکی از متغیرهای اساسی در فرایند برنامه ریزی درسی مدرسه محور می باشد و آگاهی و دانش دبیران و مدیران یکی از مولفه های اساسی برای اقدام به برنامه ریزی درسی مدرسه محور می باشد، همچنین با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می گردد:

۱- گروه های مخاطب به طور مداوم به تقویت و ارتقای سطح دانش خود همت گمارند و این موضوع وظیفه دست اندرکاران امر را در رده های بالا در تصمیم گیری آشکار می سازد.

۲- تدارک زمینه های مناسب جهت ارتقاء سطح علمی گروه های مخاطب از طرق مختلف مانند، برگزاری دوره ها و کارگاه های آموزش ضمن خدمت و تشکیل گردهمایی ها و نیز تشکیل کمیته ها و انجمن های علمی فعال در سطح گروه ها و ایجاد انگیزه در آنها نسبت به ارتقاء سطح دانش برنامه ریزی درسی مدرسه محور پیشنهاد می گردد.

۳- بازنگری درباره ی نقش دست اندرکاران آموزش و پرورش به ویژه مدیران و دبیران و توانایی سازی آنها ۳ برای تصدی وظایف و مسئولیت ها
متغیر نگرش:

هر چند که نتایج پژوهش حاکی از آن است که گروه های مخاطب دارای نگرش متوسط و مثبت نسبت به اجرای برنامه ریزی درسی مدرسه محور می باشند اما این امر برای اجرای برنامه ریزی درسی مدرسه محور، کفایت نمی کند لذا درباره ی متغیر نگرش پیشنهاد می شود:

۱- در صورت تمایل به اجرای برنامه ریزی درسی مدرسه اصلاح نگرش صورت گیرد، ایجاد نگرش مثبت نسبت به هر وضعیتی الزامات خاص را در بر دارد، از جمله نقش گروه همکاران و تاثیر فرد و گروه بر یکدیگر و ایجاد جو مناسب در خصوص ایجاد چنین جوی قبل از اقدام به برنامه ریزی درسی مدرسه محور.

۲- در زمینه تغییر نگرش گروه های مخاطب پیشنهاد می گردد به دو اصل اقناع و صداقت توجه بیشتری مبذول گردد، قانع کردن گروه های مخاطب در زمینه برنامه جاری و برنامه آتی و نیز رعایت اصل صداقت در روشن نمودن وضعیت کنونی گام های موثری است که پیشنهاد می گردد اقداماتی که در خصوص آنها انجام شود.
متغیر مهارت:

چون نتایج پژوهش حاکی از مهارت ناکافی گروه های مخاطب (مدیران، معلمان، معاونان) در زمینه برنامه ریزی درسی مدرسه محور است و این امر اصل حرکت به سمت مدرسه محوری را به مخاطره می اندازد. در این زمینه پیشنهاد می گردد بررسی لازم در خصوص این مسئله در موسسات آموزشی مختلف انجام شود تا اینکه با قطعیت بیشتری در خصوص اجرای برنامه ریزی درسی مدرسه محور و یا عدم اجرای آن تصمیم گیری نمود. گرچه اقدام به هر فعالیتی در گرو اقدام به برنامه ریزی های جامع، همه جانبه، منطقی و دور نگر می باشد. بنابراین در صورتی که برنامه ریزی درسی مدرسه محور از هر لحاظ مناسب موقعیت و وضعیت کنونی تشخیص داده شد، اقدام به یک برنامه همه جانبه و سیستماتیک در سطوح خرد و کلان پیشنهاد می شود.
متغیر امکانات:

در صورت تمایل به اجرای برنامه ریزی درسی مدرسه محور همچنان که از نتایج پژوهش بر می آید امکانات موجود در مدارس در شرایط مطلوبی نمی باشد و امکانات موجود یا منابع انسانی و مادی برای اجرای برنامه ریزی درسی مدرسه محور در حد مطلوبی نمی باشد. لذا پیشنهاد می شود امکانات متنوع و مناسب همچون کادر تخصصی خبره، اینترنت و امکان استفاده از آن، لوح های فشرده آموزشی، کتاب هایی با موضوع برنامه درسی و نشریه های مرتبط با موضوع تعلیم و تربیت تدارک دیده شود. همچنین شرکت مدیران و دبیران مدارس در جلسات نقد و بررسی برنامه های درسی موجود، مشارکت معلمان در تولید برنامه های درسی استانی یا ملی و ارائه پیشنهادات از سوی آنها می تواند به عنوان اقداماتی جهت پیشبرد اهداف مدرسه محوری و اجرای این خط مشی در مدارس در نظر گرفت.

References

- AdibManesh, M., Ali Asgari, M., & Mosapour, N. (2012). The Feasibility Study of the Implementation of School – Based Curriculum Development in Kermanshah High schools. *Journal of Curriculum Research*, 1(2), 81-104. <https://doi.org/10.22099/jcr.2012.251>
- Ahmadi, m., salehi, m., Amirianzadeh, M., & Ahmadi, E. (2022). Designing of school-centered model by mixed exploratory research method. *Strategic Management Thought*, 16(4), 103-136. <https://doi.org/10.30497/smt.2023.244015.3440>
- Chavoshi Hosseini, L., Etemad Ahri, Alaoddin, & Saber Gorkani, Afsaneh. (2023). Presentation of school curriculum model based on social, cultural and psychological needs of secondary school students. *ISLAMIC LIFE STYLE CENTERED ON HEALTH*, 7(2), 460-473. <https://doi.org/https://sid.ir/paper/1134574/en>
- fariabi, m., kamali, n., & davodi, r. (2021). Designing and explaining the native school-based management model from the perspective of the document of fundamental change in education. *Strategic Management Thought*, 15(2), 127-164. <https://doi.org/10.30497/smt.2022.12886.2789>
- Fisser, P., & Strijker, A. (2019). Digital Literacy as Part of a New Curriculum for the Netherlands. In *Handbook of Research on Media Literacy Research and Applications Across Disciplines* (pp. 193-203). IGI Global.
- Gholamzadeh, F., Akbari Burang, M., & Ayati, M. (2023). Teachers' perception of values education curriculum in the first year of elementary school. *Research in Islamic Education Issues*, 30(57), 259-292. https://iej.ihu.ac.ir/article_207712_c1819ec42e7db70737ad3aac969cbeac.pdf
- Hemmatyar, M. b., Bahadori, S., & Ashrafi, F. (2020). Investigating the Dimensions of School Independence (School-Centered Idea): Analyzing the Experiences and Opinions of Elementary Schools' principals. *Research in Elementary Education*, 1(2), 71-79. https://reek.cfu.ac.ir/article_1095_e463b1f5f373d6ca97687e22593d6e28.pdf
- Karami, R., & Nasiri, F. (2019). Investigating the relationship between school-oriented management style and teachers' job success and job adaptability. *Journal of School Administration*, 8(1), 283-301.
- Kazemi, M., Moazami, M., & mohammadi moghadam, y. (2022). Identifying the dimensions and components of the elitism process in elementary schools of Iran country. *Educational Development of Judishapur*, 13(0), 87-99. <https://doi.org/10.22118/edc.2022.357673.2152>
- Mizrak, S. (2024). Examination of The Relationship Between Teachers' Occupational Commitment and Job Satisfaction According to Various Variables. *Cypriot Journal of Educational Sciences*, 19(4), 420-434. <https://doi.org/https://doi.org/10.18844/cjes.v19i4.9210>
- Mousapour, N. (2010). Dos and don'ts in the curriculum planning system of Iran. *Publications of Shahid Bahonar Kerman Faculty of Literature and Humanities*, 2(2), 20-28.
- Piri, M., & Behrozitabar, K. (2016). Feasibility of School-Based Curriculum Development in the Education System from the Standpoint of Educational Experts. *Journal of Curriculum Research*, 5(2), 1-22. <https://doi.org/10.22099/jcr.2016.3833>
- Rashidi, B., Abedi, A., & Noruozi, G. (2022). Developing the Curriculum Enrichment Model for Gifted and Talented School in Iran: A Grounded Theory Study. *Journal of Curriculum Studies*, 17(66), 259-288. https://www.jcsicsa.ir/article_150257_ba67f18bcf98aa4ee18ad7491a5f5e6e.pdf
- Samadi, P. (2016). Model of school-based curriculum development.
- Zeinaddiny Meymand, Z. (2015). Curriculum planning process with emphasis on higher education and university curriculum planning. *Publications of Islamic Azad University of Kerman*, 1, 280-312.
- Zeinaddiny Meymand, Z. (2020). Study the Effectiveness of complementary and extra curriculum activities on students' self-belief. *Biannual Journal of Education Experiences*, 3(2), 1-12.
- Zeinaddiny Meymand, Z., & Sharifi, P. (2019). The Role of Job Motivation in Faculty Members' Participation in Curriculum Development. *Strides in Development of Medical Education*, 16(1).